

بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های تفکر فلسفی در سند برنامه درسی ملی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

منصور خوشخوئی*

عطا ازنب**

چکیده

هدف کلی در پژوهش حاضر تعیین میزان توجه سند برنامه درسی ملی به مؤلفه‌های تفکر فلسفی است. تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از لحاظ روش مبتنی بر روش تحلیل محتواست. به دلیل محدودیت، نمونه آماری همان جامعه آماری یعنی سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران است. روایی ابزار از طریق روایی محتوایی و پایایی آن با ضریب توافق ویلیام اسکات بیش از ۸۶٪ تعیین شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی و برای اعتباربخشی به نتایج از شیوه آنتروپی شانون بهره گرفته شد. نتایج حاکی از توجه نسبی اما نامتوازن و ناهماهنگ سند به مؤلفه‌های تفکر فلسفی است. مؤلفه «کنج‌کاوی» با ۶۹ واحد ثبت، معادل ۲۶٪ کل مؤلفه‌ها، و با ضریب اهمیت ۰/۲۴۴ بیش‌ترین فراوانی و اهمیت را در سند دارد و به مؤلفه «وحدت شخصیت» با ۹ واحد ثبت، معادل ۳٪ کل مؤلفه‌ها، و با ضریب اهمیت ۰/۰۲۴ کم‌توجهی شده است. مؤلفه‌های دیگر به ترتیب فراوانی و اهمیت عبارت‌اند از: «علاقه به ارزش‌های انسانی» ۵۲ واحد معادل ۱۹٪ و ضریب اهمیت ۰/۲۰۲، «جامعیت» ۴۱ واحد معادل ۱۵٪ و ضریب اهمیت ۰/۱۵۷، «تعمق» ۳۸ واحد معادل ۱۴٪ و ضریب اهمیت ۰/۱۵۶، «استقلال رأی» ۳۱ واحد معادل ۱۱٪ و ضریب اهمیت ۰/۰۷۹، «نوجویی» ۱۸ واحد معادل ۷٪ و ضریب اهمیت ۰/۰۷۲، و «انعطاف‌پذیری» ۱۳ واحد معادل ۵٪ و ضریب اهمیت ۰/۰۲۴.

* استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول)، khoshkhouei@basu.ac.ir

** کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه بوعلی سینا همدان، ataaaznab@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۲۵

کلیدواژه‌ها: تفکر فلسفی، سند برنامه درسی ملی، مؤلفه‌های تفکر فلسفی، جمهوری اسلامی ایران.

۱. مقدمه

اندیشمندان برای تفکر، که برترین و مؤثرترین گوهر وجود انسان و عامل برتری او بر مخلوقات دیگر است، انواع و اقسامی در نظر گرفته‌اند. یکی از مهم‌ترین انواع آن تفکر فلسفی است که به نظر برنیفر (Brenifer, 2004) کامل‌ترین و جامع‌ترین نوع تفکر است که انواع دیگر تفکر از جمله تفکر منطقی، انتقادی، و خلاق را دربر می‌گیرد. تفکر و تعقل در دین اسلام جایگاه ویژه‌ای دارند. قرآن کریم در تعلیمات خود، برای رسیدن به مقاصد و معارف اسلامی، سه راه را در دسترس پیروان خود قرار داده است: ظواهر دینی، حجت عقلی (تفکر فلسفی)، و درک معنوی. برخی از مصادیق آن به شرح زیر است:

قرآن کریم به اشکال گوناگون جایگاه بلند متفکران و دانشمندان را تذکر داده است (زمر: ۹؛ مجادله: ۱۱)؛ انسان را به تفکر در آفرینش و تفکر در خود و خلقت دعوت کرده است (آل‌عمران: ۱۹۱، ۱۹۲). در بسیاری از آیات استدلال عقلی آورده می‌شود و با منکران احتجاج می‌کند (هود: ۳۵؛ انبیاء: ۲۲؛ مؤمنون: ۹۱)؛ در آیه‌های فراوان دیگری نشانه‌های خود را، با هدف واداشتن مردم به تفکر، بیان می‌کند. تعبیری چون: «لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»، «لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ»، «أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ»، و «لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» و یا تعبیری چون: «أَفَلَا تَعْقِلُونَ»، «أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ»، «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»، «إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ»، «لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»، و «أَفَلَا يَعْقِلُونَ» که هریک از آن‌ها چندین بار تکرار شده است.

صاحب‌نظران ویژگی‌های تفکر فلسفی را به گونه‌های متعدد ارائه کرده‌اند که بارزترین آن مربوط به اسمیت (Smith, 1956) است که ابعاد ذهن فلسفی را جامعیت، تعمق، و قابلیت انعطاف معرفی می‌کند و شریعتمداری (۱۳۷۲)، علاوه بر تأکید بر نظر اسمیت، تفکر فلسفی را به صورت کامل‌تر دارای ده ویژگی تردید منطقی، کنج‌کاوی، استقلال رأی، سعه صدر، نوجویی، علاقه به ارزش‌های انسانی، وحدت شخصیت، دید گسترده، ژرف‌اندیشی، و انعطاف‌پذیری برمی‌شمارد.

نظام رسمی آموزش و پرورش مهم‌ترین کانونی است که موظف است نیروهای انسانی جامعه را به صورتی جدی تربیت کند و آموزش دهد؛ یگانه نهادی است که با برنامه‌ریزی و امکانات رو به سوی هدف‌های تربیتی دارد (پیترز و هرست، ۱۳۸۹: ۶۸). به باور بسیاری از صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت مانند دیویی (Dewey, 1966)، اسمیت (۱۳۷۰)، انیس و

همکاران به نقل از مارزینو (۱۳۸۰)، و نلر (۱۳۶۹) آموزش و پرورش تفکر وظیفه نهاد رسمی تعلیم و تربیت و نظام آموزشی هر کشور محسوب می‌شود که با تدوین برنامه‌های مورد نیاز در پرورش انسان‌های متفکر، که قادر به رویارویی با موقعیت‌های منحصر به فرد زندگی خویش و کشف و صورت‌بندی راه‌حل‌های معطوف به آن‌ها باشند، نقش اساسی داشته باشد. طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش و تدوین سند برنامه درسی ملی آخرین تغییری است که، به منظور برطرف کردن نقاط ضعف نظام‌های پیشین، در حال انجام است و هم‌چون همه نظام‌های آموزشی دیگر پایاپای با تغییرات در عرصه‌های گوناگون اجتماعی سعی در جبران کاستی‌ها و به‌روزرکردن برنامه‌ها مطابق با تحولات اجتماعی دارد.

هرچند به‌طور معمول در اسناد آموزش و پرورش به موارد جزئی نمی‌پردازند، اما در سند برنامه درسی ملی، به‌منزله نقشه راه برنامه‌های جامع یاددهی - یادگیری، تأکید بر تفکر فلسفی، به‌منزله یکی از ارکان تعلیم و تربیت، از اولویت‌های اساسی به‌شمار می‌رود. به‌همین سبب این پژوهش بر آن است، ضمن تحلیل سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، میزان اهتمام آن را به مؤلفه‌های تفکر فلسفی بررسی کند؛ مسئله این است که سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، که مدعی تحول اساسی در حوزه تعلیم و تربیت است، چه اندازه به این مهم پرداخته و آیا توانسته است که نواقص نظام آموزشی قبلی را جبران کند و آیا خواهد توانست، به جای پرورش و فشار بر حافظه، قوای فکری و منطقی دانش‌آموزان را پروراند، آن‌ها را به معرفت واقعی، قضاوت صحیح، ژرف‌اندیشی، کنج‌کاوی، واکاوی، و واریسی محیط پیرامون رهنمون شود؟

۲. تفکر فلسفی و مؤلفه‌های آن

به‌طور کلی اگر تفکر را بر دو پایه استوار بدانیم، یکی از این پایه‌ها در فلسفه و پایه دیگر در روان‌شناسی ریشه دارد. بر این اساس، هریک از فلاسفه مهم تاریخ بشریت، از سقراط و افلاطون و ارسطو گرفته تا دکارت و اسپینوزا و هگل و دیگران، با پرسش‌ها و نظرها و شیوه تفکر خود، به نوعی بر روال تفکر انسان از آغاز تاکنون تأثیرگذار بوده‌اند (Marzano et al., 1988: 8). اسمیت (Smith, 1956) ذهنیت فلسفی را توانایی‌ها و ویژگی‌های ذهن می‌داند که به تفکر صحیح فرد کمک می‌کند و او را به قضاوت‌های صحیح عادت می‌دهد. او ذهنیت فلسفی را پرکردن مغز با محتوای دروس فلسفی و گرایش به فلسفه‌ای خاص نمی‌داند، بلکه ذهنیت فلسفی را فعالیتی می‌داند که مشخصاً به بهبود

داوری‌های ارزشی اختصاص یافته باشد. ذهنیت فلسفی برحسب درجه‌ای از جامعیت، تعمق، و قابلیت انعطاف زمانی مشخص می‌شود که فرد با مسائلی که برای حل آن‌ها فراخوانده می‌شود به داوری‌های ارزشی بپردازد. ذهن فلسفی فرد را آماده می‌کند تا با تفکر درست و منطقی پدیده‌ها را شناسایی کند (سیف هاشمی و رجایی پور، ۱۳۸۳).

لیمن و شارپ (به نقل از خوشبخت و همکاران، ۱۳۹۲)، از پیش‌گامان تفکر فلسفی و آموزش آن، برای تفکر فلسفی سه مهارت را با مؤلفه‌های مربوط به خود برمی‌شمارند:

الف) مهارت‌های کاوش‌گری: پرسش‌های سودمند، دلایل و شواهد، جست‌وجوی توضیحات، بررسی جای‌گزین‌ها، تصحیح خود، و تمرکز بر مسئله اصلی؛

ب) مهارت‌های مفهومی و استدلالی: بیان معناها، تمایزهای سودمند، مقایسه‌های مناسب، مثال‌های سودمند، استنتاج‌های مرتبط، و قضاوت‌های سنجیده؛

ج) مهارت‌های تعاملی: گوش‌دادن به دیگران، شرکت در بحث، کمک به یک‌دیگر، بررسی اختلاف‌ها، احترام به دیگران، و پذیرش انتقادهای دیگران.

شرفی ذهن فلسفی را تفکر فلسفی معنا کرده و برای آن سه کارکرد قائل شده است که عبارت‌اند از:

الف) کارکرد نظری: به این معنا که فرد چهارچوبی برای اندیشه‌های خود بیابد و به آن‌ها نظام خاصی ببخشد؛

ب) کارکرد تحلیلی: به این معنا که فرد مفاهیم و واژه‌ها را تفسیر مجدد کند؛

ج) کارکرد دستوری: یعنی برای بایدها و نبایدها معیارهای ارزش‌گذاری مناسبی ایجاد کند (شرفی، ۱۳۸۱: ۲۱-۳۱).

بارزترین تقسیم‌بندی مربوط به اسمیت (Smith, 1956) است که ابعاد ذهن فلسفی را این‌گونه برمی‌شمارد:

الف) جامعیت: جامعیت نوعی کل‌نگری و دیدن امور در زمینه‌ای وسیع است که باعث می‌شود فرد همواره برای وحدت‌بخشیدن به اندیشه‌هایش تلاش کند. جامعیت چهار ویژگی به شرح زیر دارد:

۱. مشاهده امور خاص با توجه به ارتباط آن‌ها با زمینه‌ای وسیع؛

۲. مرتبط‌کردن مسائل حاضر به هدف‌های دور؛

۳. به‌کاربردن قوه تعمیم؛

۴. توجه به جنبه‌های نظری (شریعت‌مداری، ۱۳۸۵: ۳۴).

ب) تعمق: تعمق سبب می‌شود فرد ایده‌ها و پدیده‌ها را به‌طور عمیق مطالعه کند و درباره آن‌چه دیگران بدیهی تلقی می‌کنند سؤال کند. تعمق ویژگی‌هایی به شرح زیر دارد:

۱. سؤال کردن از آن‌چه دیگران مسلم و بدیهی فرض می‌کنند؛

۲. کشف امور اساسی و بیان آن‌ها در هر موقعیت؛

۳. توجه به اشارات و امور مربوط به جنبه‌های اساسی در هر موقعیت؛

۴. قضاوت و حکم را بر روش فرضیه‌ای - قیاسی قراردادن (همان: ۴۰).

ج) قابلیت انعطاف: تجربه طولانی انسان میل دارد تا در وی نوعی جمود روانی به‌وجود آورد. گاهی ما به ارزش‌یابی‌های انعطاف‌ناپذیری از نظریات یا افکار می‌پردازیم؛ انعطاف‌پذیری موجب می‌شود فرد از چنین جمود روانی‌ای اجتناب ورزد. انعطاف‌پذیری هم، مانند جنبه‌های دیگر تفکر فلسفی، چهار ویژگی به شرح زیر دارد:

۱. رهاکردن خود از جمود روانی؛

۲. ارزش‌سنجی افکار و نظریات بدون توجه به منبع آن‌ها؛

۳. توجه به مسائل مورد بحث از جنبه‌های متعدد؛

۴. پذیرفتن نظریه‌ها یا قضاوت‌های موقتی و شرطی و علاقه به اخذ تصمیم در مواقع مبهم (اسمیت، ۱۳۷۰: ۹۸).

یکی از تقسیم‌بندی‌های جامع نیز مربوط به شریعت‌مداری (۱۳۷۲) است که ویژگی‌های تفکر فلسفی را بدین‌صورت تعریف می‌کند:

الف) تردید منطقی: در برخورد با افکار و عقاید گوناگون حالت تردید در فیلسوف ظاهر می‌شود؛

ب) کنج‌کاوی: فرد کنج‌کاو از برخورد با مطالب تازه یا مشاهده واقعه تازه به‌فکر فرومی‌رود و از این راه دایره فهم و تجربیات خود را گسترش می‌دهد؛

ج) استقلال رأی: فیلسوف از استقلال رأی برخوردار است. آن‌چه را می‌پذیرد یا رد می‌کند شخصاً بررسی می‌کند و در صورت وجود دلایل قانع‌کننده یا نبودن آن به پذیرش یا رد امری اقدام می‌کند؛

د) سعه صدر: سعه صدر به معنای بازبودن فکر یا گسترده‌بودن دایره تفکر است. کسی که دارای سعه صدر است، از برخورد با آرای مختلف و مخالف هراسی ندارد؛

ه) نوجویی: فیلسوف به آن‌چه هست یا آن‌چه در محافل فیلسوفان مطرح است قناعت نمی‌کند. او می‌خواهد مسئله‌ای تازه، نظری تازه، نظامی جدید، روشی نو، یا تحلیلی جدید مطرح کند؛

و) علاقه به ارزش‌های انسانی: فیلسوف ضمن تهیه نظامی ارزشی یا اخلاقی، که در آن انگیزه‌ها، معیارها، اصول، و آرمان‌های اخلاقی در طرحی اساسی با هم ارتباط پیدا کرده‌اند، در مناسبات خود با دیگران و یا در جامعه انسانی این نظام را بر رفتار خود حاکم می‌کند؛

ز) وحدت شخصیت: منظور از وحدت شخصیت پیروی از نظام فکری و اخلاقی ثابت در زمان‌ها و مکان‌های مختلف است (همان: ۷۲-۹۳)؛

ح) دید گسترده؛

ط) انعطاف‌پذیری؛

ی) ژرف‌اندیشی.

۳. رسالت نظام تربیت رسمی در آموزش تفکر

علاقه به پرورش توانایی‌های فکری امری است که از دیرباز اندیشمندان و مربیان تعلیم و تربیت به آن توجه کرده‌اند. در قرن اخیر، به دلیل گسترش علم و فناوری و حاکمیت نگرش صنعتی به تعلیم و تربیت، نظام‌های آموزشی توجه خود را بیش‌تر به انتقال مهارت‌ها و اطلاعات علمی معطوف داشته‌اند و از تربیت انسان‌های خلاق و متفکر فاصله گرفته‌اند؛ در حالی که، نخست باید چگونه فکر کردن را به دانش‌آموزان آموخت. به قول کانت چگونه فکر کردن باید از رسالت‌های اولیه و اساسی آموزش و پرورش باشد (اسمیت، ۱۳۷۰: ۳۷).

فیلسوفانی مانند رابرت انیس، ریچارد پل، و متیو لیپمن معتقدند ماهیت اصلی انسان ذهن یا اندیشه اوست و هدف اصلی تعلیم و تربیت باید به پرورش افرادی متفکر، اهل استدلال، و خردگرا معطوف باشد. در این صورت ثمره نهایی تعلیم و تربیت می‌تواند به صورت ذهنی جست‌وجوگر تجسم یابد (مارزینو، ۱۳۸۰: ۲۰). وظیفه نظام آموزشی است که برای تغییر «چگونگی تفکر» در افراد برنامه‌ریزی کند و تک‌تک آن‌ها را از جزئی‌نگری به کلی‌نگری، از سطحی‌نگری به ژرف‌نگری، و از کلیشه‌ای فکر کردن به انعطاف‌پذیری در تفکر سوق دهد (عباس‌زاده، ۱۳۷۴: ۳۵-۳۷). اسمیت و هولفیش رسالت مدرسه و آموزش و پرورش را آموزش تفکر دانسته و این پرسش را مطرح کرده‌اند که اگر شاگردان ضمن اشتغال به تحصیل در مدرسه فکر کردن را نیاموزند، چگونه می‌توانند به یادگیری ادامه دهند. به همین سبب این فرض که فکر کردن راه را برای

آموزش هموار می کند به طور کلی پذیرفته شده است (اسمیت و هولفیش، ۱۳۷۳: ۸). لیپمن (Lipman, 2003: 64) نیز بر این باور است که در آموزش و پرورش مهم ترین کار پرورش تفکر در دانش آموزان است و هدف از آموزش تفکر را تربیت افرادی متفکر و اندیشمند در نظام تعلیم و تربیت می داند.

برنامه درسی ملی نقشه راه برنامه های جامع یاددهی - یادگیری است که در هر نظام آموزشی همه آن چه را باید آموخته شود دربر می گیرد و باید یکی از مفاهیم مورد توجه آن تفکر و آموزش و پرورش آن باشد، چراکه آموزش و پرورش توانایی تفکر از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و مربیان تعلیم و تربیت بوده است و به طور رسمی از وظایف نظام آموزشی محسوب می شود. منظور غایی تعلیم و تربیت این است که شخص را در زمینه تفکر روشن، منطقی، و سازنده توانا کند تا بتواند در حل مشکلات و معضلات زندگی و سازمان دادن تجارب گذشته و نتیجه گرفتن از آنها برای آینده موفق شود؛ به قول کانت چگونه فکر کردن و رشد قوه تفکر باید از رسالت های اولیه و اساسی آموزش و پرورش باشد و برای پرورش آن ابزارهایی لازم است که یکی از آنها داشتن ذهن فلسفی است که افراد را در تفکر صحیح و منطقی کمک می کند. وظیفه نظام آموزشی است که در این باره برنامه ریزی کند و تک تک انسان ها را از جزئی نگری به کلی نگری، از سطحی نگری به ژرف اندیشی، و از کلیشه ای فکر کردن به انعطاف پذیری در تفکر سوق دهد (اسمیت، ۱۳۷۰؛ شعبانی، ۱۳۸۲؛ عباس زاده، ۱۳۷۴). چنین سندی باید از شش ویژگی عمده برخوردار باشد:

الف) جامعیت: یعنی باید همه مؤلفه های لازم را برای برنامه ریزی درسی و تهیه، تدوین، اجرا، و ارزش یابی برنامه های درسی دربر داشته باشد (مانند اقتضائات ایدئولوژیکی، روان شناسی، جامعه شناسی، اقتصاد، فناوری، و پداگوژیکی)؛

ب) تعادل: یعنی باید برای تعیین و تبیین و گزینش مؤلفه های تأثیرگذار اعتدال لازم رعایت شود (مانند رعایت اعتدال میان نیازها، علاقه ها، و انتظارات جامعه و افراد یا میان کسب دانش، بینش، ارزش، و مهارت)؛

ج) هماهنگی و انسجام: یعنی ارائه و تبیین همه مؤلفه ها منسجم و هماهنگ صورت گیرد و هیچ تناقضی در گفته ها، نوشته ها، و بایسته ها مشاهده نشود؛

د) منطقی روشنی و شفافیت: یعنی هیچ گونه ابهام، پیچیدگی، و کلی گویی در بیانیه ها نباشد. تبیین همه به وضوح و قابل فهم برای مجریان صورت گیرد؛

ه) انعطاف: یعنی همه‌تیین‌ها با توجه به تفاوت‌های فردی، محیطی، و منطقه‌ای و با توجه به شرایط و امکانات و با رعایت اصل واقع‌بینی، با در نظر گرفتن درجاتی از انعطاف، صورت گیرد تا بتوان برنامه‌هایی متنوع و متناسب با واقعیت‌ها و شرایط تدارک دید؛ (و انطباق: یعنی گفته‌ها، معیارها، راه‌بردها، و رهنمودها منطبق با مبانی شناخته‌شده و مطالعه‌شده، سنت‌ها، و یافته‌های علمی و پژوهشی ارائه شود و هیچ تبیینی بدون انطباق با نتایج مطالعات انجام‌شده صورت نگیرد (رئیس دانا، ۱۳۸۹).

«سند برنامه‌درسی ملی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»، به‌منزله یکی از زیرنظام‌های اصلی سند تحول بنیادین و نقشه جامع یادگیری، زمینه ایجاد تحول همه‌جانبه، گسترده، و عمیق در مفاهیم و محتوای آموزشی را فراهم می‌آورد. این برنامه تحول‌آفرین با تدارک فرصت‌های تربیتی متنوع و جامع درصدد است تا امکان کسب شایستگی‌های لازم را، به‌منظور درک و اصلاح موقعیت براساس نظام معیار اسلامی، برای دانش‌آموزان میسر کند و آنان را برای تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش تا دستیابی به مراتبی از حیات طیبه یاری رساند. رسالت خطیر سند فراهم‌آوردن سازوکارهای مناسب برای طراحی، تدوین، اجرا، و ارزش‌یابی برنامه‌های درسی در سطوح ملی تا محلی است تا مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی مفاهیم آموزشی و تربیتی، به‌صورت نظام‌مند و ساختاریافته، در اختیار کودکان و نوجوانان قرار گیرد و محیطی بانشاط و مدرسه‌ای دوست‌داشتنی را به تصویر بکشد (سند برنامه‌درسی ملی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱).

با توجه به این‌که مسئولیت پرورش تفکر، به‌ویژه تفکر فلسفی، به‌صورت رسمی بر عهده نظام آموزشی است، این پژوهش بر آن است تا، ضمن بررسی سند برنامه‌درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، میزان اهتمام آن را به مؤلفه‌های تفکر فلسفی (بر مبنای مؤلفه‌های هشت‌گانه علی شریعتمداری) بررسی کند. مسئله این است که سند برنامه‌درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، که مدعی تحول اساسی در حوزه تعلیم و تربیت است، چه اندازه به این مهم پرداخته و آیا توانسته است نواقص نظام آموزشی قبلی را جبران کند؟ به چه میزان خواهد توانست، به جای پرورش و فشار بر حافظه، قوای فکری و منطقی دانش‌آموزان را پروراند و آنها را به معرفت واقعی، قضاوت صحیح، ژرف‌اندیشی، کنج‌کاوی، واکاوی، و واریسی محیط پیرامون رهنمون شود؟

اهمیت و نقش تفکر فلسفی در زندگی ضرورت و اهمیت بررسی آن را در سند برنامه‌درسی ملی آموزش و پرورش ایجاب می‌کند؛ به‌همین سبب، این پژوهش سند پیش‌گفته را از این منظر بررسی می‌کند تا میزان تأکید آن را بر مؤلفه‌های تفکر فلسفی، که هدایت‌گر

مدیران، مربیان، معلمان، و دانش‌آموزان در مراحل مختلف زندگی است، بسنجد و در ویرایش‌های بعدی سند نقاط ضعف احتمالی اصلاح شود. باشد که دانش‌آموزانی فکور و با قدرت فلسفیدن، به جای دانش‌آموزانی منفعل و بدون روح فلسفی، پرورش یابند.

۴. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجرا مبتنی بر روش تحلیل محتواست. تحلیل محتوا به هر روش استنباطی اطلاق می‌شود که به صورت منظم و عینی به منظور تعیین ویژگی‌های پیام‌ها به کار برده می‌شود تا پژوهش‌گر بتواند آن‌ها را به صورت کمی تجزیه و تحلیل کند. این روش برای هر شکلی از ارتباطات انسانی، از اشارات تا کتاب‌های درسی و از تخته‌اعلانات تا پیام‌های تجاری تلویزیون، به کار برده می‌شود (دلاور، ۱۳۸۰: ۲۷۵). در این پژوهش تقسیم‌بندی ویژگی‌های تفکر فلسفی از منظر شریعت‌مداری ملاک قرار گرفت (شکل ۱). در بررسی و مطالعه پایایی فهرست مؤلفه‌های تفکر فلسفی از نظر چند تن از صاحب‌نظران تربیتی دو مورد از مؤلفه‌ها (تردید منطقی و سعه صدر) در ویژگی‌های دیگر (تعمق و انعطاف‌پذیری) ادغام شدند. با توجه به این که خصوصیات مؤلفه‌های تردید منطقی، یعنی این که شخص در برابر افکار و عقاید گوناگون ابراز تردید می‌کند و بدون استدلال هر عقیده و باوری را نمی‌پذیرد، با خصوصیات تعمق، یعنی سؤال کردن از آنچه دیگران مسلم و بدیهی فرض می‌کنند، هم‌پوشانی و تناسب داشت، این دو مؤلفه در هم ادغام شدند و مؤلفه‌های تردید منطقی حذف شد. هم‌چنین با توجه به این که خصوصیات مؤلفه‌های سعه صدر، یعنی بیم و هراس‌نداشتن و تعصب‌نداشتن از مواجهه با آرای مختلف و مخالف و تحلیل و ترکیب و ارزیابی افکار، با خصوصیات مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری، یعنی رهاکردن خود از جمود روانی در موقعیت‌های حساس و ارزش‌سنجی افکار و آرا بدون توجه به منبع آن‌ها، متشابه است، این دو مؤلفه در هم ادغام شدند و مؤلفه‌های سعه صدر نیز حذف شد. بدین صورت مؤلفه‌های هشت‌گانه زیر ملاک پژوهش قرار گرفتند. هم‌چنین، مؤلفه‌های هشت‌گانه با زیرمقوله‌های متناسب مشخص شدند تا کدگذاران را در عمل کدگذاری یاری دهند و این کار را با دقت و شفافیت بیش‌تری انجام دهند. جدول زیر کد مؤلفه‌ها و زیرمقوله‌های هر یک را نشان می‌دهد. جامعه آماری در این پژوهش سند برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۱ و بخش مربوط به اهداف تفصیلی نگاشت پنجم سند در سال ۱۳۹۰ است. برای تحلیل و کاوش سند برنامه‌ی درسی ملی آموزش و پرورش، سند به پنج قسمت، با توجه به محتوا و شباهت مطالب، تقسیم شد (جدول ۲).

جدول ۱. کد و زیرمقوله مؤلفه‌ها

کد	مؤلفه	تشریح یا زیرمقوله
۱	کنج‌کاری	بررسی علل و ماهیت امور؛ تمایل به شناختن امور مختلف؛ پرسش‌گری؛ به فکر فرورفتن؛ شناخت؛ توجه
۲	نوجویی	قناعت‌فکری‌نداشتن؛ تازه‌خواهی؛ تحلیل جدید، انگیزه‌خلاقیت؛ کشف مسائل تازه؛ تنوع؛ خلاقیت
۳	استقلال رأی	بررسی شخصی امور؛ تقلید نکردن؛ ابراز نظر
۴	علاقه به ارزش‌های انسانی	باور به مقام ارزشمند و کرامت انسان؛ احترام به دیگران؛ احسان و مهرورزی؛ خدمت به جامعه؛ رعایت حقوق دیگران
۵	وحدت شخصیت	هماهنگی در رفتار و گفتار؛ پرهیز از رفتارهای چندگانه در جامعه؛ صداقت و یک‌رنگی؛ پرهیز از دروغ و افترا؛ شناخت هویت یگانه خویش
۶	جامعیت	کل‌نگری؛ مشاهده امور خاص با توجه به ارتباط آن‌ها با زمینه‌ای وسیع؛ مرتبط‌کردن مسائل حاضر به هدف‌های دور؛ به‌کاربردن قوه‌تعمیم؛ توجه به جنبه‌های نظری؛ استنتاج و انتزاع
۷	تعمق	سؤال‌کردن؛ کشف امور اساسی و بیان آن‌ها در هر موقعیت؛ توجه به اشارات امور مربوط به جنبه‌های اساسی در هر موقعیت؛ قضاوت و حکم را بر روش فرضیه‌ای - قیاسی قرار دادن؛ تجزیه و تحلیل
۸	انعطاف‌پذیری	رهاکردن خود از جمود روانی؛ ارزش‌سنجی افکار بدون توجه به منبع آن‌ها؛ توجه به مسائل مورد بحث از جنبه‌های متعدد؛ پذیرش نظرها یا قضاوت‌های موقتی و شرطی؛ علاقه به اخذ تصمیم در مواقع مبهم

جدول ۲. قسمت‌های مختلف سند

مبانی	اهداف	اصول	حوزه‌های یادگیری	سایر
-------	-------	------	------------------	------

برای گردآوری اطلاعات از فهرست واری (چک‌لیست) مؤلفه‌های تفکر فلسفی و برای تعیین روابی ابزار از روابی محتوایی استفاده شد. فهرست واری در اختیار چند نفر از متخصصان تعلیم و تربیت قرار گرفت که پس از اعمال اصلاحاتی آن را تأیید کردند و

به کار گرفتند. برای تعیین پایایی ابزار از کدگذاری مجدد استفاده شد؛ به طوری که محتوای سند و واحدهای ثبت مرتبط با تفکر فلسفی، پس از کدگذاری از سوی محقق، در اختیار پنج نفر از اساتید و کارشناسان تعلیم و تربیت قرار گرفت و، پس از کدگذاری مجدد، از طریق فرمول ویلیام اسکات (لیاقتدار و همکاران، ۱۳۸۸؛ زمانی، ۱۳۸۵؛ ساروخانی، ۱۳۸۰ به نقل از لیاقتدار، ۱۳۸۸؛ عابدی و عریضی، ۱۳۸۲؛ فراهانی و ملکی، ۱۳۹۱)، ضریب توافق داوران تعیین شد. بیش از ۸۶٪ توافق نشان‌دهنده بالابودن ضریب توافق میان داوران کدگذار است.

$$C.R = \frac{\text{مقوله موردهای توافق}}{\text{کل مقوله‌ها}} = \times \frac{223+249+248+227+227}{271 \times 5} 100 = 86 / 66$$

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (فراوانی، فراوانی درصدی، و ...) استفاده شد. هم‌چنین برای اعتباربخشی به نتایج استخراج‌شده از شیوه آنتروپی شانون، که از تئوری سیستم‌ها وارد تحلیل محتوا شده است (آذر، ۱۳۸۰)، بهره گرفته شد.

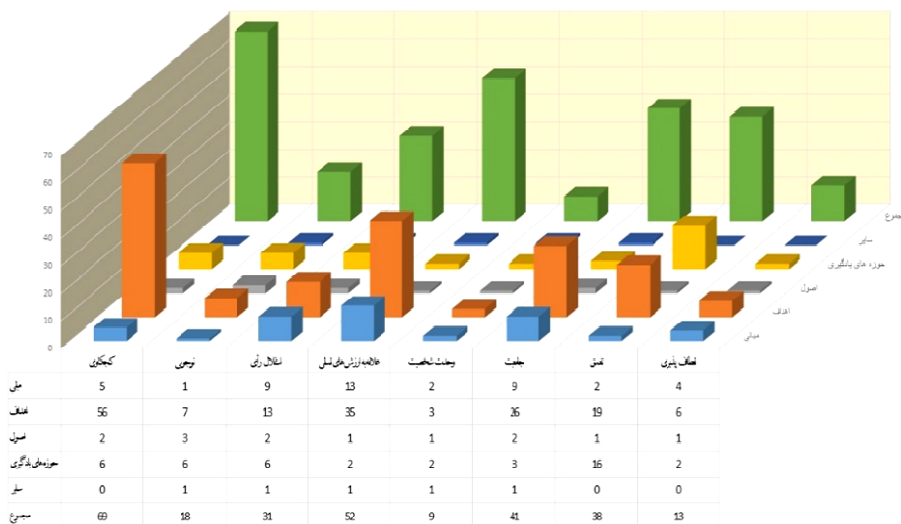
۵. یافته‌ها

از مجموع همه واحدها با فراوانی ۲۷۱ واحد، همان‌طور که در جدول - نمودار ۱ مشخص است، مؤلفه کنج‌کاوی با ۶۹ واحد، معادل ۲۶٪ کل مؤلفه‌ها، بیش‌ترین فراوانی را دارد و با ضریب اهمیت ۰/۲۴۴ مهم‌ترین مؤلفه است و وحدت شخصیت با ۹ واحد فراوانی، معادل ۳٪ کل مؤلفه‌ها، کم‌ترین فراوانی را دارد و با ضریب اهمیت ۰/۰۲۴ ضعیف‌ترین مؤلفه است. مؤلفه‌های دیگر به ترتیب: علاقه به ارزش‌های انسانی با ۵۲ واحد معادل ۱۹٪ کل مؤلفه‌ها و با ضریب اهمیت ۰/۲۰۲، جامعیت با ۴۱ واحد معادل ۱۵٪ کل مؤلفه‌ها و با ضریب اهمیت ۰/۱۵۷، تعمق با ۳۸ واحد معادل ۱۴٪ کل مؤلفه‌ها و با ضریب اهمیت ۰/۱۵۶، استقلال رأی با ۳۱ واحد معادل ۱۱٪ کل مؤلفه‌ها و با ضریب اهمیت ۰/۰۷۹، نوجویی با ۱۸ واحد معادل ۷٪ کل مؤلفه‌ها و با ضریب اهمیت ۰/۰۷۲، و انعطاف‌پذیری با ۱۳ واحد معادل ۵٪ کل مؤلفه‌ها و با ضریب اهمیت ۰/۰۶۶ در رتبه‌های بعدی فراوانی و اهمیت قرار دارند. با مقایسه فراوانی مؤلفه‌ها به تفکیک قسمت‌های پنج‌گانه سند، در مجموع ۲۷۱ واحد، بیش‌ترین فراوانی یعنی ۱۶۵ واحد، معادل ۶۲٪، در قسمت اهداف دیده می‌شود و فراوانی قسمت‌های دیگر به ترتیب عبارت‌اند از: مبانی با ۴۵ واحد معادل ۱۷٪، حوزه‌های یادگیری با ۴۳ واحد معادل ۱۵٪، اصول با ۱۳ واحد معادل ۵٪، و قسمت سایر

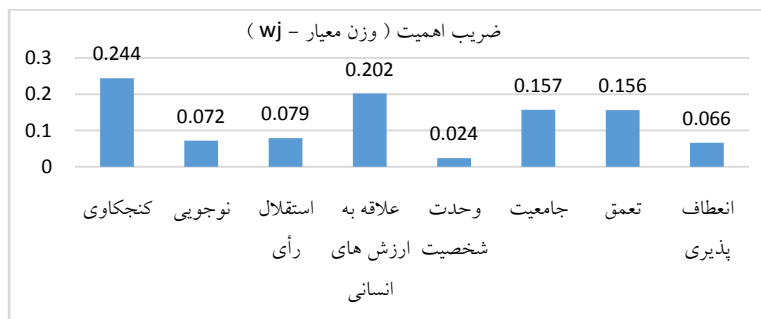
سند هم ۵ واحد معادل ۱٪. جدول - نمودار ۲ فراوانی مؤلفه‌ها را به تفکیک قسمت‌های پنج‌گانه نشان می‌دهد. هم‌چنین به‌منظور تحلیل دقیق‌تر فراوانی مؤلفه‌ها و پراکندگی آن‌ها در قسمت‌های مختلف سند، بر اساس شیوه‌آنتروپی شانون و مطابق مراحل آن، نتایج در نمودار ۱ آمده است.



جدول - نمودار ۱. کد، فراوانی، درصد، ضریب اهمیت، و رتبه‌بندی مؤلفه‌های تفکر فلسفی



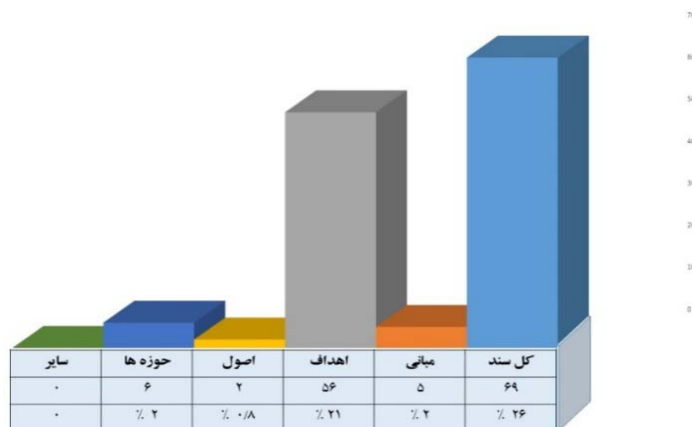
جدول - نمودار ۲. فراوانی مؤلفه‌های تفکر فلسفی در سند برنامه‌دستی ملی به تفکیک قسمت‌های پنج‌گانه



نمودار ۱. ضریب اهمیت مؤلفه‌های تفکر فلسفی در سند برنامه درسی ملی

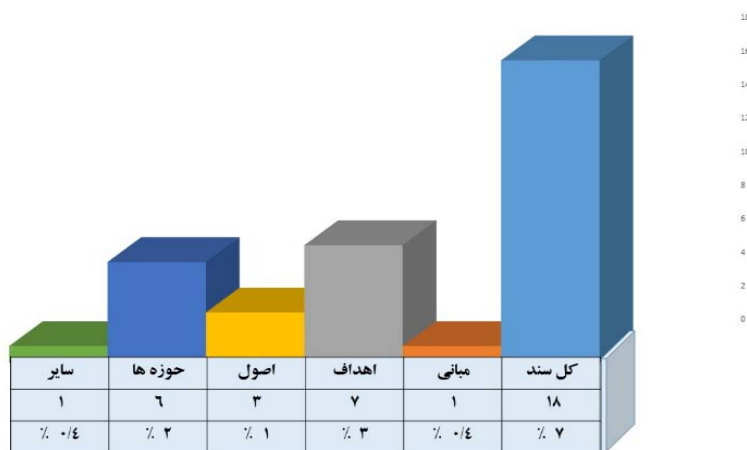
تحلیل بیش‌تر، به تفکیک مؤلفه‌ها و قسمت‌های پنج‌گانه و نیز در پاسخ به سؤالات تحقیق (هشت سؤال) در ادامه خواهد آمد.

۱. در سند برنامه درسی ملی آموزش و پرورش تا چه میزان به مؤلفه کنج‌کاوی توجه شده است؟ پس از کاوش سند برنامه درسی ملی به تفکیک قسمت‌های پنج‌گانه تعداد جملات مرتبط با مؤلفه کنج‌کاوی شناسایی و با کد ۱ استخراج شد. کل واحدها ۶۹ واحد بود که این تعداد، یعنی ۲۶٪ کل مؤلفه‌ها، و هم‌چنین ضریب اهمیت ۰/۲۴۴ نشان‌دهنده بیش‌ترین فراوانی و مهم‌ترین مؤلفه تفکر فلسفی در سند است. از این تعداد بیش‌ترین فراوانی آن مربوط به قسمت اهداف با ۵۶ واحد یعنی ۲۱٪ است و قسمت‌های دیگر سند به ترتیب عبارت‌اند از: حوزه‌های یادگیری ۶ واحد معادل ۲٪، مبانی فلسفی و علمی ۵ واحد تقریباً ۲٪، اصول ۲ واحد یعنی ۰/۸٪، و قسمت سایر هم فاقد واحد مرتبط با این مؤلفه تفکر فلسفی بود (جدول - نمودار ۳).



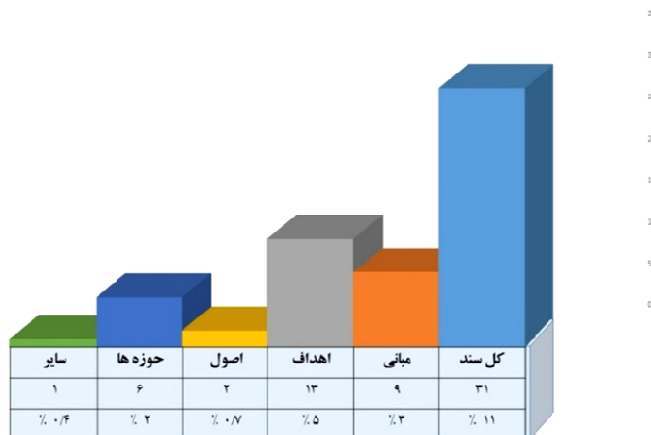
جدول - نمودار ۳. فراوانی و درصد مؤلفه کنج‌کاوی در سند برنامه درسی ملی

۲. در سند برنامه درسی ملی آموزش و پرورش تا چه میزان به مؤلفه نوجویی توجه شده است؟ واحدهای مرتبط با مؤلفه نوجویی با فراوانی کم‌تری، در مقایسه با کنج‌کاوی، در سند دیده می‌شوند. همان‌طور که در جدول - نمودار ۴ مشخص است، مجموع فراوانی این مؤلفه در کل سند ۱۸ واحد یعنی ۷٪ همه مؤلفه‌های تفکر فلسفی است و با ضریب اهمیت ۰/۰۷۲ در رتبه ششم فراوانی و اهمیت قرار دارد. بیش‌ترین فراوانی به تعداد ۷ واحد یعنی ۳٪ در قسمت اهداف مندرج در سند قرار دارد و قسمت‌های دیگر به‌ترتیب، حوزه‌های یادگیری ۶ واحد یعنی تقریباً ۳٪، اصول ۳ واحد معادل ۱٪، و هریک از قسمت‌های مبانی فلسفی و علمی سند و سایر بخش‌ها ۱ مورد معادل ۰/۴٪ از کل مؤلفه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.



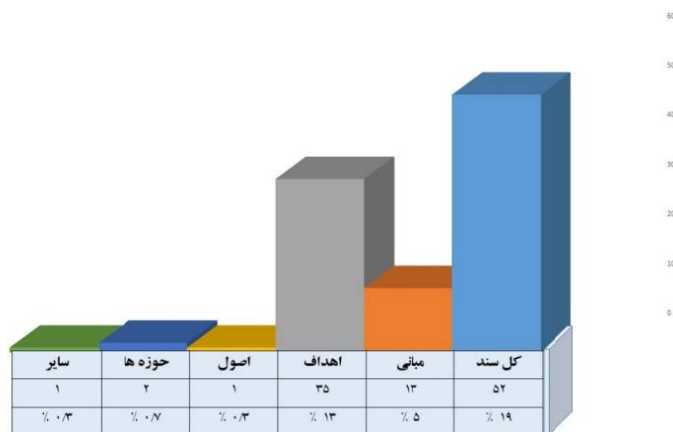
جدول - نمودار ۴. فراوانی و درصد مؤلفه نوجویی در سند برنامه درسی ملی

۳. در سند برنامه درسی ملی آموزش و پرورش تا چه میزان به مؤلفه استقلال رأی توجه شده است؟ به‌منظور پاسخ به سؤال سوم پژوهش، جملاتی که در سند برنامه درسی ملی مرتبط با مؤلفه استقلال رأی بودند با کد ۳ شناسایی و کدگذاری شدند که نتیجه آن در جدول - نمودار ۵ خلاصه شده است. این مؤلفه با فراوانی ۳۱ واحد معادل ۱۱٪ از مجموع مؤلفه‌ها و با ضریب اهمیت ۰/۰۷۹ در رتبه پنجم مؤلفه‌ها، هم از حیث فراوانی و هم از نظر اهمیت، قرار گرفت، اما بیش‌ترین فراوانی این ۳۱ واحد در قسمت اهداف با ۱۳ واحد یعنی ۵٪ کل مؤلفه‌ها قرار دارد و فراوانی قسمت‌های دیگر به‌ترتیب عبارت‌اند از: در قسمت مبانی ۹ واحد معادل ۳٪، در حوزه‌های یادگیری ۶ واحد تقریباً ۲٪، در اصول ۲ واحد معادل ۰/۷٪ درصد، و بالاخره در قسمت سایر ۱ مورد تقریباً ۰/۴٪ کل مؤلفه‌ها.



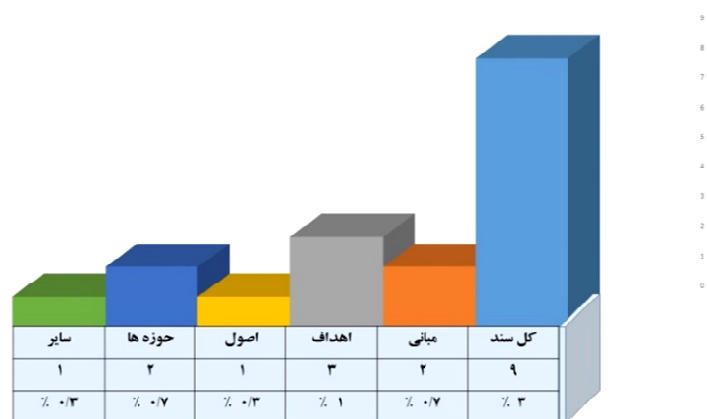
جدول - نمودار ۵. فراوانی و درصد مؤلفه استقلال رأی در سند برنامه درسی ملی

۴. در سند برنامه درسی ملی آموزش و پرورش تا چه میزان به مؤلفه علاقه به ارزش‌های انسانی توجه شده است؟ مؤلفه علاقه به ارزش‌های انسانی یکی از مؤلفه‌های مورد توجه سند است (جدول - نمودار ۶) که بعد از کنج‌کاوی بیش‌ترین فراوانی و اهمیت را داشته است. ۵۲ واحد مرتبط با این مؤلفه که معادل ۱۹٪ کل مقوله‌هاست در سند مشاهده شد و هم‌چنین ضریب اهمیت ۰/۲۰۲ این مؤلفه را در جایگاه دوم فراوانی و اهمیت در بین دیگر مؤلفه‌ها قرار داده است که بیش‌ترین این تعداد یعنی ۳۵ واحد و معادل ۱۳٪ آن در قسمت اهداف است؛ بعد از آن مبانی با ۱۳ واحد معادل ۵٪، حوزه‌های یادگیری با ۲ واحد معادل ۰/۷٪، و قسمت سایر با ۱ واحد معادل ۰/۳٪ کل مقوله‌ها را در خود جای داده‌اند.

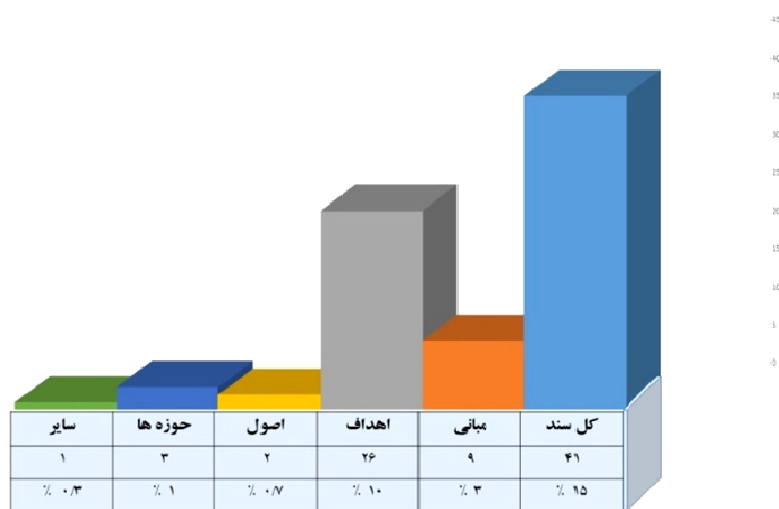


جدول - نمودار ۶. فراوانی و درصد مؤلفه علاقه به ارزش‌های انسانی در سند برنامه درسی ملی

۵. در سند برنامه‌درسی ملی آموزش و پرورش تا چه میزان به مؤلفه‌ وحدت شخصیت توجه شده است؟ مؤلفه‌ وحدت شخصیت کم‌ترین فراوانی و اهمیت را در بین مؤلفه‌های دیگر دارد. فراوانی این مؤلفه ۹ واحد معادل ۳٪ کل مقوله‌ها و ضریب اهمیت آن هم ۰/۰۲۴ است که آن را در رتبه‌ هشتم یعنی رتبه‌ آخر مؤلفه‌ها از نظر فراوانی و اهمیت قرار داده است؛ از این تعداد قسمت اهداف ۳ واحد یعنی ۱٪، قسمت‌های مبانی و حوزه‌های یادگیری هر کدام ۲ واحد معادل ۰/۰۷٪، و قسمت سایر نیز ۱ مورد تقریباً معادل ۰/۰۳٪ کل مقوله‌ها را در خود جای داده‌اند (جدول - نمودار ۷).



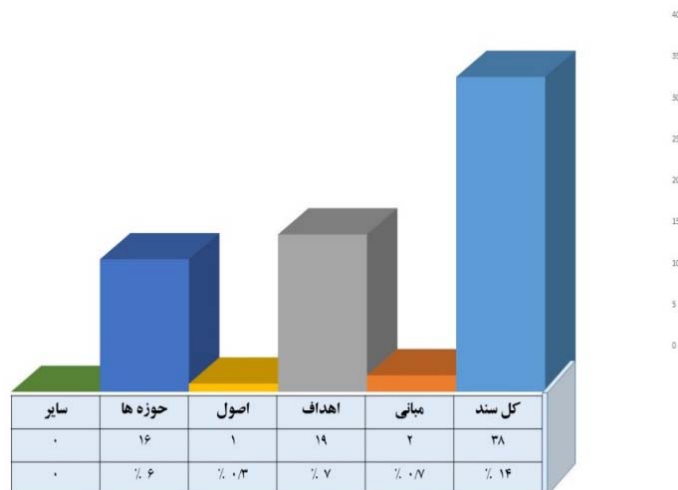
جدول - نمودار ۷. فراوانی و درصد مؤلفه‌ وحدت شخصیت در سند برنامه‌درسی ملی



جدول - نمودار ۸. فراوانی و درصد مؤلفه‌ جامعیت در سند برنامه‌درسی ملی

۶. در سند برنامه درسی ملی آموزش و پرورش تا چه میزان به مؤلفه دید گسترده (جامعیت) توجه شده است؟ جامعیت سومین مؤلفه از نظر رتبه فراوانی و اهمیت است (جدول - نمودار ۸). ۴۱ واحد مرتبط با این مؤلفه، معادل ۱۵٪ کل مؤلفه‌ها، در سند مشاهده شد و ضریب اهمیت آن از طریق آنتروپی شانون $0/157$ محاسبه شد. قسمت اهداف با ۲۶ واحد یعنی ۱۰٪ کل مؤلفه‌ها بیش‌ترین فراوانی را از آن خود کرده است و قسمت‌های دیگر نیز به ترتیب، مبانی با ۹ واحد معادل ۳٪، حوزه‌های یادگیری با ۳ واحد معادل ۱٪، اصول با ۲ واحد معادل ۰/۷٪، و قسمت سایر نیز با ۱ واحد یعنی ۰/۳٪ کل مقوله‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

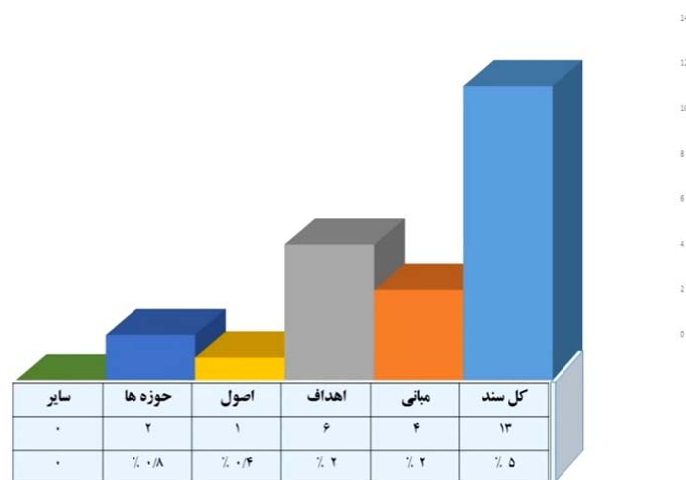
۷. در سند برنامه درسی ملی آموزش و پرورش تا چه میزان به مؤلفه ژرفاندیشی (تعمق) توجه شده است؟ مؤلفه تعمق با ۳۸ واحد ثبت، معادل ۱۴٪ کل مقوله‌ها، و ضریب اهمیت $0/156$ در رتبه چهارم از حیث فراوانی و اهمیت قرار دارد. از این تعداد قسمت اهداف ۱۹ مورد یعنی ۷٪ کل مؤلفه‌ها را دارد و قسمت‌های دیگر نیز به ترتیب: حوزه‌های یادگیری با ۱۶ واحد معادل ۶٪، مبانی با ۲ واحد معادل ۰/۷٪، و اصول با ۱ واحد یعنی تقریباً ۰/۳٪ کل مؤلفه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند و قسمت سایر نیز فاقد مؤلفه تعمق است (جدول - نمودار ۹).



جدول - نمودار ۹. فراوانی و درصد مؤلفه تعمق در سند برنامه درسی ملی

۸. در سند برنامه درسی ملی آموزش و پرورش تا چه میزان به مؤلفه انعطاف‌پذیری توجه شده است؟ مؤلفه انعطاف‌پذیری هم‌چون وحدت شخصیت فراوانی و اهمیت کم‌تری

در مقایسه با دیگر مؤلفه‌ها دارد. این مؤلفه با ۱۳ واحد معادل ۵٪ کل مؤلفه‌ها و ضریب اهمیت ۰/۰۶۶ در رتبه هفتم یعنی ماقبل آخر از نظر فراوانی و اهمیت قرار دارد. از این تعداد هم قسمت اهداف با ۶ واحد معادل تقریباً ۲٪، مبانی با ۴ واحد معادل تقریباً ۲٪، حوزه‌های یادگیری با ۲ واحد معادل تقریباً ۰/۸٪، و اصول با ۱ واحد تقریباً معادل ۰/۴٪ کل مؤلفه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند و قسمت سایر نیز فاقد واحدهای مرتبط با این مؤلفه است (جدول - نمودار ۱۰).



جدول - نمودار ۱۰. فراوانی و درصد مؤلفه‌ انعطاف‌پذیری در سند برنامه‌دستی ملی

۶. بحث

تعداد ۲۷۱ واحد ثبت (جمله یا مضمون جمله) مرتبط با مؤلفه‌های تفکر فلسفی در سند برنامه‌دستی ملی از توجه نسبی سند به این مفهوم نشان دارد، اما همه مؤلفه‌ها به صورت متعادل و متوازن در سند بیان نشده‌اند.

به منظور پاسخ به پرسش اول پژوهش، کنج‌کاوی با کد ۱ اولین مؤلفه تفکر فلسفی بود که تحلیل و بررسی شد. کنج‌کاوی یکی از ویژگی‌های مشترک کودکان و فیلسوفان است که فرد را به بررسی علل و ماهیت امور تحریک می‌کند. این مفهوم پیوسته مورد توجه اندیشمندان و روان‌شناسان بوده است. محققان ویژگی‌هایی مانند ماجراجویی، تمایل به دانستن، دست‌کاری، مشاهدات با تأمل، آگاهی از محیط اطراف، مشاهدات دقیق، گوش دادن به دقت، پرسش‌گری، جست‌وجوگری مداوم، علاقه‌مندی به تازگی‌ها،

علاقه‌مندی به ناشناخته‌ها، مجذوب‌شدن، فعال‌بودن، و قدرت‌تصور را برای کنج‌کاوی برشمرده‌اند (صمدی، ۱۳۹۲)، که نشان‌دهنده اهمیت و نقش آن در پرورش ذهن به‌ویژه در سال‌های نخستین تعلیم و تربیت است. همان‌گونه که در نتایج مشخص است، بیش‌ترین توجه سند معطوف به مؤلفه کنج‌کاوی با ۶۹ واحد است که این به‌تنهایی ۲۶٪ کل مؤلفه‌ها را از آن خود می‌کند. هم‌چنین با ضریب اهمیت ۰/۲۴۴ مهم‌ترین مؤلفه سند است. با توجه به نقش و اهمیت کنج‌کاوی در شکل‌دهی و تحریک ذهن، می‌توان گفت که سند برنامه درسی ملی از این نظر از غنای لازم برخوردار است. درخور توجه است که بیش‌ترین فراوانی این مؤلفه نیز به قسمت اهداف مربوط است و با توجه به نقش هدف در برنامه درسی ملی، به‌مثابه نقشه راه متصدیان تعلیم و تربیت، از سطوح بالای نظام آموزشی گرفته تا صف مقدم آن یعنی معلمان و مربیان، می‌توان نتیجه گرفت که اهداف تربیتی و آموزشی سند برنامه درسی ملی از این نظر غنی است و می‌تواند اذهان فراگیران را به سمت‌وسوی کندوکاو برای دانستن، تحریک به فراگیری، و نهایتاً به‌سوی داشتن ذهن فلسفی هدایت کند؛ به‌همین سبب می‌توان در پاسخ به سؤال اول پژوهش گفت که سند به مؤلفه کنج‌کاوی توجه و تأکید خوبی کرده است.

دومین مؤلفه بررسی‌شده، در پاسخ به سؤال دوم پژوهش، نوجویی است که با توجه به توضیحات و تأکیدات اندیشمندان و روان‌شناسان بر این مفهوم شایسته است که در سند به‌منزله نقشه راه برنامه‌های آموزشی و تربیتی به آن توجه شود. فرد دارای ویژگی نوجویی به آن‌چه هست یا آن‌چه در محافل مطرح است قناعت نمی‌کند. او می‌خواهد مسئله‌ای تازه، نظری تازه، نظامی جدید، روشی نو، و یا تحلیلی جدید مطرح کند. نوجویی انگیزه‌ای برای خلاقیت است. سیر عقلانی یا رهاکردن اندیشه از نفوذ عوامل گوناگون زمینه را برای خلق افکار تازه آماده می‌کند. در این پژوهش واحدهای ثبت مرتبط با این مؤلفه شناسایی شد که طیف وسیعی از نوجویی، نواندیشی، خلاقیت، قناعت‌فکری‌نداشتن، و ... را دربر داشت، که فراوانی آن ۱۷ واحد معادل ۷٪ کل مؤلفه‌ها و ضریب اهمیت آن ۰/۰۷۲ است. این مؤلفه از نظر فراوانی و اهمیت در رتبه ششم قرار دارد، که با توجه به اهمیت آن در پرورش افکار و اذهان فراگیران و نقش آن در رشد فکری آنان، نتایج نشان‌دهنده توجه کافی‌نداشتن سند برنامه درسی ملی به این مفهوم است که نتوانسته است دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کشور را در این زمینه رهنمون کند و آنان را در راه‌نمایی فراگیران به سوی داشتن ذهنی خلاق و فکری نواندیش یاری‌گر باشد. پس در پاسخ به سؤال دوم باید گفت که سند به مؤلفه نوجویی کم‌توجه بوده و بر آن تأکید نکرده است.

شخص دارای تفکر فلسفی از استقلال رأی برخوردار است؛ آنچه را می‌پذیرد یا رد می‌کند شخصاً بررسی می‌کند و در صورت وجود دلایل قانع‌کننده یا نبودن دلایل به پذیرش یا رد امری اقدام می‌کند. استقلال رأی پایه و اساس خلاقیت را تشکیل می‌دهد. سند برنامه‌دستی ملی می‌تواند، با توجه بیش‌تر به این مفهوم، مریبان و متولیان تعلیم و تربیت را در زمینه‌ی یاری‌رساندن به فراگیران برای استقلال فکری و ذهنی و متعاقب آن استقلال در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی یاری‌رساند. با این اوصاف سند برنامه‌دستی ملی در ۳۱ واحد ثبت، یعنی ۱۱٪ کل مؤلفه‌ها، به استقلال رأی پرداخته و ضریب اهمیت آن هم ۰/۰۷۹ است که آن را در رتبه‌ی پنجم فراوانی و اهمیت قرار داده است. نتایج حاکی از توجه کافی‌نداشتن سند به این مفهوم است که نتوانسته است اهمیت آن را در جای‌جای سند نمایان کند.

علاقه به ارزش‌های انسانی یکی دیگر از ویژگی‌های انسان متفکر و شخص دارای ذهن فلسفی است. فرد ارزش‌ها را بررسی می‌کند و بررسی ارزش‌ها و نقش آن‌ها در مناسبات اجتماعی باید او را به ارزش‌های انسانی علاقه‌مند کند. شخص ضمن تهیه‌ی نظامی ارزشی یا اخلاقی، که انگیزه‌ها، معیارها، اصول، و آرمان‌های اخلاقی در آن در طرحی اساسی با هم ارتباط پیدا کرده‌اند، در مناسبات خود با دیگران و یا در جامعه‌ی انسانی این نظام را بر رفتار خود حاکم می‌کند. علاقه‌مندی به ارزش‌های انسانی در محیط آموزشی و تربیتی موجبات سازگاری، رفاقت، هم‌گرایی، و هم‌اندیشی را در بین فراگیران فراهم می‌کند و این مهم پیامدهای مثبت فراوانی برای روزهای آتی دانش‌آموزان در پی دارد. سند برنامه‌دستی ملی ۵۲ بار به این مؤلفه اشاره کرده است که این یعنی ۱۹٪ کل مؤلفه‌ها و ضریب اهمیت آن هم ۰/۲۰۲ محاسبه شد. این مؤلفه از نظر فراوانی و اهمیت در رتبه‌ی دوم مؤلفه‌ها قرار دارد. اختصاص ۳۵ واحد یعنی ۱۳٪ از این تعداد در بخش اهداف نشان‌دهنده‌ی توجه نسبتاً خوب سند به این مفهوم است و در پاسخ به سؤال چهارم پژوهش می‌توان گفت که سند بر مؤلفه‌ی علاقه به ارزش‌های انسانی، هم‌چون مؤلفه‌ی کنج‌کاوی، تأکید خوبی کرده است.

شخص دارای تفکر فلسفی شخصیت واحدی دارد؛ شخصیت دوگانه و چندگانه ندارد؛ در زمان‌ها و مکان‌های مختلف دچار تناقض و تضاد در رفتار، گفتار، اندیشه، و منش نمی‌شود؛ از کذب و دروغ احتراز و صدق و صداقت را پیشه می‌کند. وظیفه‌ی مریبان است که متریبان را بدین سو هدایت کنند و آنان را در کسب شخصیت یگانه یاری دهند. ضروری است که سند برنامه‌دستی ملی در همه‌ی قسمت‌های خود به این امر توجه کند تا فراگیران نظام آموزشی دارای ثبات شخصیت و صداقت و راستی باشند. سؤال پنجم این پژوهش هم در این زمینه بود تا نشان دهد که سند نام‌برده چه اندازه به این مهم پرداخته است. پس از

کاوش، ضعف سند در این مورد مشخص شد به طوری که در کل سند فقط ۹ واحد ثبت مرتبط با این مفهوم شناسایی شد که شامل ۳٪ کل مؤلفه‌هاست. هم‌چنین این مؤلفه با ضریب اهمیت ۰/۰۲۴ ضعیف‌ترین مؤلفه شناخته شد و در رتبه آخر از نظر فراوانی و اهمیت قرار گرفت. ضعف سند آن‌جا بیش‌تر می‌شود که در بخش اهداف (کلی و تفصیلی) فقط ۳ واحد ثبت معادل ۱٪ و در قسمت مبانی فلسفی و علمی فقط ۲ واحد معادل ۰/۷٪ به این مفهوم اشاره شده است و این نشان‌دهنده اهتمام کم‌تر سند برنامه درسی ملی به این مفهوم است و نیاز به بازنگری و اصلاح جدی در قسمت‌های مختلف مخصوصاً اهداف و مبانی فلسفی و علمی احساس می‌شود.

جامعیت و ویژگی بارز شخص متفکر و دارای ذهن فلسفی است که اندیشمندان بسیاری، به‌ویژه اسمیت، بر آن تأکید کرده‌اند و شریعتمداری نیز آن را در بیان ویژگی‌های ذهن فلسفی آورده است. شایسته است که سند برنامه درسی ملی در همه قسمت‌های خود به این مفهوم اهتمام ورزد تا ماحصل فرایند تعلیم و تربیت انسان‌هایی کل‌نگر، دورنگر، و جامع‌اندیش باشند و خود را به زمان و مکان خاص مقید نکنند. بررسی سند نشان داد که این مؤلفه به تعداد ۴۱ واحد معادل ۱۵٪ کل مؤلفه‌ها و با ضریب اهمیت ۰/۱۵۷ از توجه و اهمیت نسبی در سند برخوردار است و بیش‌ترین فراوانی هم با ۲۶ واحد یعنی ۱۰٪ در قسمت اهداف است که این یکی از نقاط قوت سند است که توانسته است توجه نسبتاً خوبی به مفهوم جامعیت داشته باشد؛ این موضوع به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در فراگیران و متریان تأثیرگذار خواهد بود.

تعمق و ژرف‌اندیشی هم دیگر ویژگی ذهن فلسفی است. شخص دارای تفکر فلسفی به آن‌چه دیگران بدیهی و مسلم فرض می‌کنند به دیده تردید می‌نگرد و درباره آن سؤال مطرح می‌کند؛ تعصب جاهلانه را به کناری می‌نهد، عقاید نادرست و بت‌های فکر خود را شناسایی می‌کند، در کشف امور و بیان آن‌ها تردیدی به خود راه نمی‌دهد، و می‌تواند به‌صورت جامع و قیاسی قضاوت کند. نظام آموزشی موظف است که این توانایی را در فراگیران نهادینه و تقویت کند تا از ورود انسان‌های بی‌اراده و بی‌کفایت، ساده‌لوح و سطحی‌نگر، و متعصب و جاهل به نظام آموزشی و اجتماع جلوگیری کند. با توجه به اهمیت این مفهوم، سؤال هفتم پژوهش حاضر به این امر می‌پردازد تا میزان تأکید سند برنامه درسی ملی را بر این مؤلفه شناسایی کند؛ مؤلفه‌ای که با کد ۷ بررسی شد و در پایان فقط ۳۸ واحد ثبت در این باره شناسایی شدند که شامل ۱۴٪ کل مؤلفه‌هاست. هم‌چنین این مؤلفه با ضریب اهمیت ۰/۱۵۶ جایگاه مناسبی دارد که آن را در رتبه چهارم

از نظر فراوانی و اهمیت قرار می‌دهد. شایان توجه است که ۱۹ مورد یعنی ۷٪ به بخش اهداف و ۱۶ مورد، تقریباً ۶٪، به بخش حوزه‌های یادگیری تعلق داشت که آمار نسبتاً خوبی از توزیع مؤلفه تعمق در قسمت‌های مذکور است؛ چراکه این بخش‌ها بیش‌ترین نزدیکی را به حوزه عملی نظام آموزشی دارند و تأثیرات به‌مراتب ملموس‌تری در مقایسه با بخش‌های دیگر سند دارند. در پاسخ به پرسش هفتم پژوهش نیز باید گفت که سند به مؤلفه تعمق و ژرف‌اندیشی توجه نسبی داشته است.

ذهنیت فلسفی با قابلیت انعطاف کامل می‌شود. آن‌جا که شخص از جمود روانی بپرهیزد، در ارزش‌یابی‌ها، نظرها، و فکرها منعطف باشد، در قضاوت‌ها بدون توجه به منابع و فقط از روی استدلال و منطق عمل کند، مسائل را در همه جنبه‌ها بررسی کند، و بتواند در مواقع ضروری تصمیم بگیرد. یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های روبه‌روی انسان امروزی و یکی از بزرگ‌ترین دلایل بروز جنگ‌ها و مناقشات کنونی انسان ناشی از جمود فکری و انعطاف‌ناپذیری در موارد حساس است. سند برنامه درسی ملی در همه قسمت‌های خود به‌ویژه در اهداف و حوزه‌های یادگیری باید راه‌نمای کامل دست‌اندرکاران باشد و آن‌ها را بیش‌تر به ترغیب فراگیران به داشتن انعطاف فکری سوق دهد. متأسفانه سند مذکور در همه قسمت‌های خود فقط در ۱۳ واحد ثبت، یعنی ۵٪ کل مؤلفه‌ها، به این مفهوم اشاره کرده است که با توجه به ضریب اهمیت ۰/۰۶۶ از نظر اهمیت نیز در رتبه ماقبل آخر قرار دارد. ضعف آن‌جا بیش‌تر و عمیق‌تر می‌شود که فقط ۶ واحد، یعنی تقریباً ۲٪ کل مؤلفه‌ها، به قسمت اهداف تعلق دارد که از کم‌توجهی سند برنامه درسی ملی به موضوع انعطاف‌پذیری در افکار و اندیشه‌ها نشان دارد.

۷. نتیجه‌گیری

با نظر به اهمیت تفکر در زندگی انسان و نقش آن در رشد و بالندگی فرد در ابعاد مختلف و متعاقب آن توسعه و پیش‌رفت جامعه در زمینه‌های گوناگون، یکی از ارکان اساسی در حوزه تعلیم و تربیت تقویت ابعاد ذهنی و فکری متربیان و متعلمان است. در این میان تفکر فلسفی، به‌منزله زیربنای فکری، و سند برنامه درسی ملی نیز، به‌مثابه نقشه راه برنامه‌های آموزشی و پرورشی، در پیش‌برد هدف مورد نظر اهمیت فراوانی دارند. نتایج پژوهش حاضر بیان‌گر توجه کافی سند به بحث تفکر و به‌ویژه تفکر فلسفی است، اما توزیع نامتقارن و نامتوازن مؤلفه‌های آن نشان‌دهنده کم‌توجهی آن به ابعاد گوناگون تفکر فلسفی است، چراکه به مؤلفه‌های مهمی مانند وحدت شخصیت و انعطاف‌پذیری کم‌توجهی شده است؛

در جهان کنونی، که بیش‌تر مشکلات و ناسازگاری‌های انسان ناشی از تفاهم‌نداشتن و انعطاف‌ناپذیری فکری و تزلزل شخصیت و شیوع دروغ و افتراست، ضروری است سند برنامه‌درسی ملی با بازنگری و اصلاح در قسمت‌های گوناگون آن به این ضعف توجه بیش‌تر کند تا برنامه‌های آموزشی و تربیتی در جهتی حرکت کنند که برون‌داد نظام آموزشی افرادی با ذهنیت فلسفی و قابلیت تحمل آرا و افکار دیگران باشند تا بتوانند در دنیایی بهتر، در سایه تفاهم و تساهل، به کمال مطلوب و سرمنزل مقصود دست یابند. در خصوص مؤلفه‌های دیگر، هم‌چون کنج‌کاوی و علاقه به ارزش‌های انسانی، بر مجریان و برنامه‌ریزان برنامه‌های درسی و آموزشی ملی است که، ضمن تقویت مؤلفه‌های پیش‌گفته، برنامه‌های عملیاتی‌تری برای اجرا در سطوح گوناگون آموزشی طراحی کنند تا این ابعاد از افکار و اندیشه‌های متریان تقویت شود. در خصوص مؤلفه‌های جامعیت، تعمق، نوجویی، و استقلال رأی نیز با تدوین و اجرای برنامه‌های متناسب و ارزش‌یابی مستمر آن‌ها در تقویت جنبه‌های یادشده از تفکر و اذهان متریان اقدام کنند و نقاط ضعف سند را در برخی قسمت‌ها جبران کنند. در مجموع نقاط قوت سند را می‌توان در توجه به، و تأکید بر، مؤلفه‌های کنج‌کاوی و علاقه به ارزش‌های انسانی و نقاط ضعف آن را در کم‌توجهی به مؤلفه‌های وحدت شخصیت و انعطاف‌پذیری و هم‌چنین توجه نامتعادل به همه مؤلفه‌ها و نامتوازن در قسمت‌های گوناگون سند برشمرد. براساس یافته‌های تحقیق، پیش‌نهادهایی به مسئولان، مدیران، و معلمان در رده‌های گوناگون نظام آموزشی ارائه می‌شود:

- با تحلیل محتوای کتاب‌های درسی، میزان هماهنگی و هم‌سویی آن‌ها را با برنامه‌درسی ملی از نقطه‌نظر تفکر فلسفی و مؤلفه‌های آن شناسایی کند؛
- با تحقیقات شبه‌آزمایشی، میزان بهره‌مندی فراگیران را از مؤلفه‌های تفکر فلسفی شناسایی کنند و میزان هم‌سویی نتایج آن را با تحقیق حاضر بسنجند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

اسمیت، فلیپ جی. (۱۳۷۰). *ذهنیت فلسفی در مدیریت آموزشی*، ترجمه محمدرضا بهرنگی، تهران: گلچین. اسمیت، فلیپ جی. و ایچ. گوردون هولفیش (۱۳۷۳). *تفکر منطقی روش تعلیم و تربیت*، ترجمه علی شریعتمداری، تهران: سمت.

آذر، عادل (۱۳۸۰). «بسط و توسعه روش آنتروپی شانون برای پردازش داده‌ها در تحلیل محتوا»، *فصل‌نامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، س ۱۱، ش ۳۷ و ۳۸.

- پیترز، آراس و پل هرست (۱۳۸۹). *منطق تربیت*، ترجمه فرهاد کریمی، تهران: علمی و فرهنگی.
- خوشبخت، فریبا، راضیه سهرابی، و محبوبه البرزی (۱۳۹۲). «مقایسه افسانه‌های ایرانی، کتاب‌های داستانی – تصویری ایرانی و کتاب‌های داستانی – تصویری خارجی بر مبنای مؤلفه‌های تفکر فلسفی»، *مطالعات ادبیات کودک*، س ۴، ش ۱، بهار و زمستان.
- دلاور، علی (۱۳۸۰). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، تهران: رشد.
- رئیس دانا، فرخ‌لقا (۱۳۸۹). «سند برنامه درسی ملی: ویژگی‌ها و گستره»، *رشد تکنولوژی آموزشی*، دوره بیست‌وششم، ش ۴.
- سند برنامه درسی ملی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۱). نگاشت پنجم.
- سیف هاشمی، فخرالسادات و سعید رجایی‌پور (۱۳۸۳). «بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت مدیران مدارس متوسطه شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱»، *فصل‌نامه تعلیم و تربیت*، ش ۷۷.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۱). *تفکر برتر*، تهران: سروش.
- شریعتمداری، علی (۱۳۷۲). *پرورش فکر*، تهران: جامعه پژوهش‌گران.
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۵). *اصول و فلسفه تربیت*، تهران: امیرکبیر.
- شعبانی، حسن (۱۳۸۲). *روش تدریس پیش‌رفته و آموزش مهارت‌های راه‌بردی تفکر*، تهران: سمت.
- صمدی، پروین (۱۳۹۲). «بررسی مقایسه‌ای انگیزش خانواده و معلمان به کنج‌کاوی کودکان پیش‌دبستانی»، *مطالعات روان‌شناختی*، دانشگاه الزهراء، دوره نهم، ش ۳، پاییز.
- عابدی، احمد و حمیدرضا عریضی (۱۳۸۲). «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی برحسب سازه انگیزه پیش‌رفت»، *فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی*، س ۲، ش ۵.
- عباس‌زاده، علی (۱۳۷۴). «بررسی تأثیر تفکر منطقی مدیران گروه‌های آموزشی بر روحیه مربیان در شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز.
- فرمهبینی فراهانی، محسن و مهدی ملکی (۱۳۹۱). «تحلیل محتوای کتب درسی آموزش عالی از نظر میزان آموزش بهداشت جنسی»، *فصل‌نامه راه‌بردهای آموزش*، دوره پنجم، ش ۲.
- لیاقتدار، محمدجواد، احمد عابدی، و منصوره قضاوی (۱۳۸۸). «تحلیل محتوای کتاب‌های علوم تجربی دوره ابتدایی از لحاظ توجه به معضلات زیست‌محیطی»، *فصل‌نامه تعلیم و تربیت*، ش ۹۸.
- مارزینو، رابرت جی. (۱۳۸۰). *ابعاد تفکر در برنامه‌ریزی درسی و تدریس*، ترجمه قدسی احقر، تهران: سیطرون.
- نلر، جورج (۱۳۶۹). *هنر و علم خلاقیت*، شیراز: دانشگاه شیراز.

Brenifer, O. (2004). 'Regard Critique Sur la Method Lipman', *Diotime*, Vol. 21.

Dewey, J. (1966). *Democracy and Education*, New York: Macmillan Company.

Lipman, M. (2003). *Thinking in Education*, New York: Cambridge University Press.

Marzano, R. J. et al. (1988). *Dimension of Thinking Afram Work for Curriculum and Instruction*, Virginia: Ascd.

Smith, Ph.G. (1956). *Philosophic Mindedness in Educational Administration*, Ohio: The Ohio State University Press.